

رسائل و دیوان اشعار (پسند الأحرار)

میر مختوم نیشابوری

(۸۳۳-۷۹۱ ق)

تصحیح و تہجین
حسین نصیر باغبان



هو العلى الأعلى

- سرشناسه : نصیر باغبان، حسین، ۱۳۶۵ - ، مصحح
- عنوان و نام پدیدآور : رسایل و دیوان اشعار (پسندالاحرار) / میرمخدوم نیشابوری؛ تصحیح و تحقیق حسین نصیرباغبان.
- مشخصات نشر : تهران: انتشارات تمثال، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۲۵۶ص.
- فروست : انتشارات تمثال؛ ۱۲.
- شابک : ۳۵۰۰۰۰ ریال 3-1-99042-622-978 :
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : میرمخدوم نیشابوری، سیدمحمد، ۱۷۹۰ - ۱۸۳۳ ق -- نقد و تفسیر
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۹ق.
- موضوع : Persian poetry -- 15th century
- موضوع : نثر فارسی -- قرن ۹ق.
- موضوع : Persian prose literature -- 15th century
- شناسه افزوده : میرمخدوم نیشابوری، سیدمحمد، ۱۷۹۰ - ۱۸۳۳ ق.
- رده بندی کنگره : PIR ۸۵/۵۸۲۵ ۱۳۹۶ عن ۱۸۷/۱
- رده بندی دیویی : ۳۳/۱۸۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۸۷۵۴۸

رسائل و دیوان اشعار (سند الأحرار)

میر منجم نیشابوری

(۱۸۳۳-۱۸۷۹ ق)

تصحیح و تحقیق

حسین نصیر باغبان



نشر تمثال

رسائل و دیوان اشعار (پسند الأحرار)

میر مختوم نیشابوری (۸۳۳-۷۹۰ق)

تصحیح و تحقیق: حسین نصیرباغبان

شماره انتشار: ۱۲

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرایبی و طرح جلد: محمود خانی

صحافی: خانی

چاپ: ارمغان

بهاء: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۰۴۲-۱-۳

انتشارات و توزیع:

تهران، خیابان آزادی، جمالزاده جنوبی، شماره ۱۶۴، طبقه ۲، واحد ۴

تلفن: ۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳-۶۶۹۲۲۹۵۵

temsalsal.nashr@gmail.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۸	بررسی احوال و آثار میرمختوم نیشابوری
۱۱	وفات میرمختوم
۱۶	در نظریات و اعتقادات میرمختوم
۱۹	آثار میرمختوم
۲۲	نسخه‌شناسی
۳۱	محبّت نامه
۳۲	مقدمه: در بیان مناسبات
۳۶	فصل اول: در تعریف محبّت
۴۴	فصل دوم: در محبّت حق مر بنده را
۵۰	فصل سیم: در محبّت بنده مر حق را
۵۲	خاتمه؛ در بیان نتیجه محبّت
۵۵	منشآت
۱۳۵	دیوان اشعار امیرمختوم نیشابوری موسوم به «پسندالأحرار»

۱۳۷	فی القصاید
۱۵۳	فی الغزلیات
۱۸۷	فی الترجیعات
۱۹۷	فی الرباعیات
۲۲۳	فی المفردات
۲۲۵	نمایه‌ها
۲۲۷	آیات قرآن
۲۳۱	احادیث و عبارات عربی
۲۳۵	اشعار فارسی
۲۴۱	اعلام (اشخاص؛ گروه‌ها، جای‌ها)
۲۴۳	فهرست اشعار دیوان
۲۴۹	کتابنامه

مقدمه

تاریخ تصوف ایران در دوره تیموری با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده است. در این دوره محدودیت‌های بسیاری برای طبقات مختلف جامعه آن روز ایران به‌ویژه برای اهل تصوف، توسط حکومت تیموری صورت گرفت. مسئله قتل خواجه اسحاق ختلانی از یکسو و سرکوب جنبش سید محمد نوربخش، و از سوی دیگر واقعه قتل فضل‌الله استرآبادی و سرکوب جنبش حروفیه و تبعید سید قاسم انوار، مسائلی است که بررسی هر کدام مستلزم نگاشتن رساله‌ای جداگانه است. در این میان، بررسی آثار و احوال یکی از مریدان سید قاسم انوار برای تحلیل و بررسی تاریخ دوره تیموری از ضروریات است.

پس از سوءقصد به جان شاهرخ میرزا تیموری در سال ۸۳۰ قمری توسط احمد لُر از پیروان فضل‌الله استرآبادی بود که فضایی

امنیتی و بسته برای اهل تصوّف مهیا شد. به دنبال این سوءقصد و پیدا شدن دیوان شعر سیّد قاسم انوار در لوازم خصوصی احمد لُر، اَتّهام سوءقصد متوجّه انوار گردید. درنهایت، امیر سید قاسم را که دارای مریدان و هواخواهانی در هرات بود از آن دیار تبعید کردند و او نیز به سمت سمرقند رهسپار گردید. یکی از شاگردان انوار میرمختوم نیشابوری است که سال‌ها در سلک ارادتمندان و نزدیکان سیّد قاسم انوار بود. میرمختوم در مسافرتِ امیر سیّد قاسم به سمرقند همراه وی بود^۱ که نهایتاً در دفاع از حریم سید انوار بر وی تعرّض نموده و او را به طرز فجیعی به قتل رساندند.^۲

بررسی احوال و آثار میر مختوم نیشابوری

عارف واصل و شاعر فاضل، سید محمّد^۳ ملقب به میر مختوم نیشابوری در شهر نیشابور در یوم دهم صفر ۷۹۰ هجری قمری چشم به جهان گشود.^۴ جدّ شریفش امیر بهاءالدین^۵ از سادات مدینه بود که پس از بازگشت از زیارت مشهد الرضا^(ع) در نیشابور ساکن

۱. رشحات عین الحیات، ص ۲۷۷؛ احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ص ۲۱۸.

۲. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۵۵.

۳. مجالس النفاَس، ص ۷.

۴. مجموعه خطّی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۷۹، ص ۳۳۰.

۵. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۵۵.

و متأهل گردید و میر مختوم نیز در آن دیار به متولد شد و مشتهر به نیشابوری گردید.^۱ صاحب مجالس النفائس در مورد نسب وی جزئیات بیشتری در اختیار ما قرار می‌دهد که با مطالب فوق قدری متفاوت است. امیر علیشیر نوایی گوید: «پدرش از مکه معظمه به زیارت مشهد مقدسه رضویه آمد و در مراجعت به نیشابور رسید و آنجا کدخدا شده متوطن گردید. خدای تعالی او را سه پسر عنایت فرموده. از همه خردتر میرمخدوم بود که نام اصلیش سید محمد بود و به جهت تحصیل به هرات آمد».^۲ سید محمد نیشابوری در هرات به بهره‌گیری علوم ظاهری پرداخت و در این موقعیت شهرت امیر

۱. ریاض العارفین، هدایت رضا قلی خان، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیسا اشیدری، ص ۲۷۷.
 ۲. مجالس النفائس، ص ۷؛ صاحب مجالس العشاق اطلاعات مغشوشی در مورد او ارائه می‌دهد؛ فی المثل در جای جای کتاب خود، او را به لقب بهاء الدین نام می‌برد و اسم او را سید علی می‌نامد. از عبارت او چنین برداشت می‌شود که سید محمد پدر امیر مختوم بوده و نام امیر مختوم بهاء الدین حیدر هم نام جدش بوده است. وی در مورد میر مختوم چنین گوید: «در اول نام او علی بود، امیر سید بهاء الدین که جد اوست از کبار سادات مدینه است، وقتی به زیارت مشهد مقدسه رضویه آمده بودند و در وقت مراجعت در نیشابور متأهل شدند و نیره آن حضرت سید محمد بود و او نیز در نیشابور تأهل ساخت. امیر بهاء الدین حیدر و امیر قطب الدین حیدر و امیر سید علی فرزندان اویند و هر سه برادر اهل کمال بودند. امیر سید بهاء الدین به کسب علوم اشتغال نمودند و در تحصیل و به دست آوردند علم تفسیر و حدیث یدبضا نمود. امیر قطب الدین حیدر را یکی از بدلای روزگار که واقف اسرار بوده از اکتساب علوم ظاهر منع کرده بر طریق حبیب اعجمی سلوک می‌نموده...» (مجالس العشاق، ص ۲۱۴)

سید قاسم انوار در آن شهر وی را بر آن داشت که به خدمت سید قاسم شرفیاب گردد.^۱ لقب میر مخدوم یا به عبارتی میرمختوم را سید قاسم انوار به او داد؛^۲ چرا که میر مختوم پس از ریاضت‌های بسیار تحت نظر امیر قاسم انوار به جهت پاک‌طینتی و صاحب‌دولتی و انجام خدمت‌های شایسته در حق استادش، به میر مختوم ملقب گردید.^۳ پس از طیّ درجات عالیّه در حوزه عرفان و کسب لقب میر مخدومی، مورد توجه اهل خراسان واقع شد و امیر غیاث‌الدین علی ترخان که از امرای زمان تیموری بود به وی مقرّب گردید.^۴ قاضی نورالله شوشتری در مورد ارادتمندان میرمختوم گوید: «اهالی

۱. مجالس النفانس، ص ۷.

۲. در منابع و مآخذ، وی را به هر دو عبارت «میر مخدوم» و «میر مختوم» آورده اند. در مجالس المومنین میر مختوم آمده (مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۵)، در مجمع الفصحان نیز میر مختوم ضبط شده است (مجمع الفصحاء، رضاقلی خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، ج ۴، ص ۱۱۰)، صاحب مجالس النفانس او را میر مخدوم دانسته (مجالس النفانس، ص ۸) و مجالس العشاق نیز او را میر مختوم نامیده است. (ر.ک: مجالس العشاق، ص ۲۱۴) به نظر می‌رسد که میر مختوم صحیح‌تر باشد چرا که در رساله مخطوط مورخ به ۸۶۶ قمری که به زمان مولف نزدیکتر است عبارت «رسائل ختم اولیاء امیر مختوم» آمده است (نسخه خطی، شماره ۴۴۳۸۱، مجلس شورای اسلامی، برگ ۲۲۰ پشت) و در نسخه مورخ به ۸۳۵ نیز در محل بیان تاریخ دقیق وفات و تولد وی عبارت «میر مختوم ختم سرّ وجود» آمده است. (ر.ک: مجموعه خطی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۷۹، ص ۳۳۰)

۳. مجالس النفانس، ص ۸.

۴. ریاض العارفین، ص ۲۷۷.

خراسان به خدمتش اعتقاد تمام داشتند و اکثر میرزاده‌های جغتای به صحبتش می‌شتافتند...»^۱

صاحب *طرائق الحقایق* در ذیل احوالات شاه قاسم انوار در خصوص میر مختوم نیشابوری گوید: «و از مشاهیر مریدان اوست امیر مختوم نیشابوری که از سادات عالی درجات است و آباء وی اصلاً از مدینه رسول (ص) بودند و از جمله اشعار اوست:

آن را که در این راه شعوری و شروعی است
در هر نفس ای دوست عروجی و رجوعی است»^۲

وفات میرمختوم

در مورد وفات و به عبارتی شهادت میرمختوم، برخی به اختصار و برخی نیز با جزییات در این باره سخن گفته‌اند. صاحب *مجالس العشاق* گوید: «در قصه کارد زدن میرزا شاهرخ روغن داغ بر سر مبارکش ریختند و بند کرده به هرمز فرستادند و قاسم الانوار را به سمرقند روان کردند و امیر سید بهاء‌الدین را به دارالمرز روانه ساختند...»^۳

۱. مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۵.

۲. طرائق الحقایق، ج ۲، صص ۴۸ و ۴۹.

۳. مجالس العشاق، ص ۲۱۷.

قاضی نورالله شوشتری در این باره می‌نویسد: «آخر الامر ارباب غرض او را تکفیر نموده به فرموده میرزا شاهرخ روغن داغ کرده بر سرش ریختند و مدتی در ولایت کازرون محبوس ساخته بعد از آن از قلمرو خود اخراج نموده روانه هرمز نمودند.»^۱

صاحب ریاض العارفین گوید: «...حسب الامر شاهرخ بن تیمور اذیت و آزار موفورش رسانیدند و بعد از محبوسی‌های بسیار از حبس رها شدند و اخراج بلد کردند و روغن گداخته بر فرقش ریختند و روشنی آن شمع را به کثرت روغن خاموش کردند.»^۲ ایضاً همو در مجمع الفصحاء در خصوص وفات سید مختوم گوید: «... سید امیر مختوم را نیز متهم نمودند که با میر غیاث‌الدین علی ترخان عشق‌بازی کرده و رساله محبت‌نامه برای وی در قلم آورده روغن گداخته بر سرش ریختند و بعد از آزار بسیار از شهر نیشابور اخراج کردند - و کَیْسَت به اول قارورة کسرت فی الإسلام -».^۳

امیر علیشیر نوایی وفات میرمختوم را به اختصار بیان نموده و فقط محل دفن سید را ذکر می‌نماید. وی در مجالس النفائس می‌گوید: «مزارش در نشابور به قریه مهرآباد است.»^۴

۱. مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۵.

۲. ریاض العارفین، ص ۲۷۷.

۳. مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۱۱۰.

۴. مجالس النفائس، ص ۸.

مطالب فوق نشان می‌دهد که امیر مختوم را پس از واقعه سوء قصد به شاهرخ به هرمز تبعید نمودند، لیکن در برخی کتب مندرج است که وی به همراه امیر قاسم انوار به سمرقند رفت و در آنجا در واقعه‌ای به جهت دفاع از سید قاسم انوار به شهادت رسید.^۱

در مورد سال وفات میر مختوم بین تذکره نویسان و تاریخ نگاران اختلاف نظر حاکم است. رضا قلی خان هدایت در *ریاض العارفین* و معصوم علیشاه شیرازی به نقل از او در *طرائق الحقایق* سال وفات سید میر مخدوم نیشابوری را ۸۳۰ قمری دانسته‌اند.^۲ صاحب تذکره *التواریخ* وفات وی را دهم ماه صفر سنه ثمان و ثلثین و ثمانمانه (۸۳۸ ق) دانسته است.^۳ کمال‌الدین حسین گازرگاهی در *مجالس العشاق* می‌گوید: «در محرم هشتصد و سی و سه از عالم رفته و قبر آن حضرت در قدسیه مهرآباد نیشابور است».^۴ در نسخه

۱. رشحات عین الحیات، ص ۲۷۷؛ احوال و سخنان خواجه عیدالله احرار، ص ۲۱۸.

۲. ریاض العارفین، ص ۲۷۷؛ طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۴۹؛ سخنوران آذربایجان، ص ۱۷۱؛ در مجمع الفصحاء رضاقلی خان هدایت تاریخ وفات او را سال ۶۰۳ می‌داند و پر واضح است که اشتباه کاتب نسخه بوده است. (مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۱۱۰) همچنین در برخی چاپ های ریاض العارفین نیز تاریخ وفات میرمخدوم ۶۳۰ نگاشته شده و آن نیز اشتباه کاتب است چرا که در تصحیح جدید ۸۳۰ مندرج است. (ر.ک: ریاض العارفین، تصحیح نصرت الله فروهر، ص ۲۶۸؛ اثر آفرینان، ج ۵، ص ۱۹۹)

۳. تذکره التواریخ، ص ۳۰۸.

۴. مجالس العشاق، ص ۲۱۹.

خطیبی به تاریخ کتابت ۸۳۵ قمری که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و پرواضح است که کاتب از مریدان و دوستان اران میرمختوم بوده است سال تولد و وفات او را به صورت دقیق نگاشته است و شکی برای ما باقی نمی‌گذارد. یادداشتی که در این نسخه قبل از مکتوبات و رسائل میرمختوم قید شده چنین است:

میرمختوم ختم سر وجود
 که جز او نیست اصل هر موجود
 چون ننگجید زیر نه پرده
 شد سر ایزده زو نعلین^۱
 از حدود و صفات بیرون شد
 و اندر اقطار و آب گشت مسکین

«فی یوم اثنین الرابع و العشرین من محرّم الواقع فی سنة ثلث و ثلاثین و ثمانمائه (۸۳۳)^۲ وقت طلوع الشمس و کان ولادته فی العاشر من صفر سنة تسعین و سبعمائه (۷۹۰)^۳»^۴

قاضی نورالله شوشتری در این مورد نوشته است: میرمخدوم

۱. کذا: نعلین

۲. دوشنبه بیست و چهارم محرم.

۳. دهم صفر.

۴. مجموعه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۶۷۹، ص ۳۳۰.

قبل از وفات امیر قاسم انوار (متوفی ۸۳۷ قمری) رخت از جهان بست.^۱ انوار در سوگ او مرثیه‌ای سروده که چنین است:

میر مخدوم سفر کرد و داعی فرمود
 همه دل‌های عزیزان به فراقش فرسود
 دل ما از همه عالم به هوایش برخاست
 علم الله کزین جمله تو بودی مقصود
 روزی جان تو گشته است «هنیئاً لک» باد
 آب حیوان که سکندر طلبش می‌فرمود
 من چه گویم که چه شد فوت ز من و اسفا!
 سالک راه خدا ساکن درگاه شهود
 رفت از این دیر فنا جانب محبوب ازل
 رو به دیدار خدا کرد که «نعم المشهود»
 یا الهی! به کرم حافظ جانش می باش
 میر مخدوم که شد صاحب سر موعود
 هر که او رو به خدا کرد مظفر گردد
 آفتابی شود از طالع بخت مسعود

۱. مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۶.

یار مردان خدا باش که لذت بینی
 همه جا جام مورق، همه جا ناله عود
 نور الطاف خداوند که بیش از پیش است
 هر چه از ما گنهی دید به رحمت افزود
 میر مخدوم چه گویم؟ که به گاه و بیگاه
 قاسم خسته روان می کند از دیده درود^۱

صاحب *ریحانة الادب* به اشتباه میرمختوم را خلیفه سید قاسم انوار دانسته^۲ در حالی که فوت میرمختوم با مرثیه فوق اشاره و ذکر دیگر منابع، قبل از وفات قاسم انوار بوده است و نمی تواند خلیفه او باشد، لیکن او یکی از مشایخ و مقربان قاسم انوار بوده است.

در نظریات و اعتقادات میرمختوم

نظریات و اعتقادات میرمختوم را می توان از مطالب جسته و پراکنده ای که در کتب مختلف موجود است بخصوص *مجالس المومنین* قاضی نورالله یافت. قاضی نورالله شوشتری در مجالس از

۱. دیوان شاه قاسم انوار، ص ۳۴۷؛ مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۶.

۲. ریحانة الادب ج ۶، ص ۷۹؛ مجالس المومنین، ج ۲، ص ۵۶.

بعض رسائل میرمختوم چنین نقل می‌کند: «و سیّد عارف میرمختوم در بعضی از رسائل خود آورده که مرتضی علی در بیان محبت سلمان فارسی چنین فرمود که هرگز به ظاهر و باطن با من خلاف نکرد، یعنی همه آن خواست که خواستم نامرادی مراد مردان است.»^۱

قاضی نورالله مطلب دیگری را از میر مختوم نقل کرده که بیانگر نظر وی در خصوص سلمان فارسی و دیگر یاران علی^(ع) است. وی گوید: «سیّد عارف میرمختوم - قدس سره - نسبت تردّد و تزلزل به <مالک> اشتر نموده، در یکی از مکاتیب خود فرموده که نشان کمال پیوستگی فرمان برداری است. اعتراض بر قول و فعل بزرگان علامت رسیدگان نیست، چه حکمت‌های پنهانی بسیار است. کمینه آنکه امتحان و آزمایش است چندان خرق عادت و ضعف در امور ظاهر معاش از شاه اولیاء به ظهور آمد که جمیع دوستان او متزلزل شدند حتی مالک اشتر الّا سلمان که فرزند روحانی او بود و از اسماء حسنی او بود و آن‌ها که شیر از پستان ولایت خاصه نخورده باشند ایمن نباشند - امرنا صعب مستصعب.»^۲

مولانا جلال قاینی کسی را پیش میر مختوم فرستاده و پیغام کرده که: می‌شنویم که بعضی امیرزاده‌های امرد به ملازمت شما می‌آیند و

۱. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۸۹.

شما را با ایشان اختلاط گرمی واقع می‌شود، بلکه می‌گویند که تعلق خاطر نیز واقع است. ما را حدّ آن نیست که گوئیم که مناسب هست یا نیست، فأمّا از کیفیت آن استفسار می‌کنم که عشق همان مرض سودایی است یا ورای آن چیزی هست. آن مشارالیه نوشتند:

عشق سیمرغی است کو را دام نیست

در دو عالم زو نشان و نام نیست

عنقای عشق جز بر قاف قلب مقیمان قلندرخانه دیر تجرید
نشیند و همای همّش سایه جز بر سرافرازان کوی نیستی و آزاد
روان سر چارسوی تفرید نیندازد. هر پست همّتی را کجا آن قدر بود
که نقد استعداد خویش بر محک عیار صرافخانه عشق زند و هر
قلّاشی را کی مکنت آن که به اندک مایه‌ای او را در این بازار سودای
سود در سر افتد؟ حریف این قمارخانه پاک‌بازی، باید که در اول
خود را باخته باشد و هیچ چیز دامن همّش را نگرفته:

رباعی

رنّدی باید ز شهرها تاخته‌ای

بنیاد وجود خود بر انداخته‌ای

زین گرم روی سوخته‌ای، ساخته‌ای

در داو نخستین، دو جهان باخته‌ای

رایات سلطان عشق جز بر در مصطبه خرابه دل خرابات، روان
 بلاکش سرمست نزنند و نوبت شهنشاهی جز بر بام ویران آزاد روان
 قلندروش معشوق پرست نکوبند. تازه رویان نوبهار طلب را
 سرسبزی از سرو قامتان بلند همت تهی دست است. سرخ رویان
 خون آشام را روز بازار از کمند دلاویز و خدنگ خونریز دلربایان
 مهوش است. هزار جان مقدس فدای راه برهنه پایان کوی ملامت
 باد که از چشم روی نابینایان عادت پرست در نقاب عزت محتجب
 گشته‌اند و دایره‌وار پی گم کرده.^۱

آثار میرمختوم

۱. میر مختوم شرحی بر گلشن راز شیخ محمود شبستری به نام
 شرح وسیط نوشته که عین الدین ذهبی در کتاب غنچه باز به آن
 اشاره نموده است و نسخه‌ای از این اثر <= شرح وسیط > در
 کتابخانه دانشگاه هاروارد محفوظ است.^۲

۱. مجالس العشاق، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۲. نشریه نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر چهارم، ص ۵۴؛ ر.ک: عرفان و
 سلوک اسلامی، ص ۱۸۲؛ غنچه باز در شرح گلشن راز، جلال الدین علی میرابوالفضل عنقا،
 مکتب طریقت اویسی شاه مقصدی، تهران، ۱۳۶۳.

۲. رساله محبت‌نامه که در بیشتر منابع قدیم و جدید ذکر از آن به میان آمده، برای امیر غیاث‌الدین علی ترخان نگاشته شده است.^۱ صاحب ریحانة الادب به اشتباه این رساله را منظوم دانسته در حالی که در هیچ‌یک از منابع به منظوم بودن رساله اشاره نشده است.^۲ آقابزرگ طهرانی به پیروی از ریحانة الادب رساله محبت‌نامه را نظم دانسته است^۳ و در جای دیگر آن را به اشتباه به غیاث‌الدین علی ترخان که مهدی الیه آن بوده نسبت داده است.^۴

صاحب مجالس العشاق دو رباعی از میرمختوم را که در رساله محبت‌نامه آمده، آورده است. این دو رباعی چنین است:

از روز ازل عشق تو همخانه ماست
 مهر رخ تو در دل دیوانه ماست
 هر کس ز می عشق نصیبی بردند
 در راه تو درد دُرد پیمانۀ ماست

۱. اثر آفرینان، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲. ریحانة الادب، جلد ۵، ص ۲۶۲.

۳. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ص ۸۸، جلد ۹، قسمت سوم، ص ۱۰۱۸.

۴. الذریعه الی تصانیف الشیعه، الجزء الرابع والعشرون، ص ۲۲۹.

ماییم و شراب و شاهد و دین مسیح
 ز نَار و کلیسا و ساقی مَلِیح
 آزار دل و مجرّد و دوست پرسست
 بگذشته ز نیک و از بد و خوب و قبیح^۱

رسائلی که منظوم باشند در قالب رباعی نمی آیند و غالباً مثنوی هستند. رساله محبت نامه به نثر بوده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی مضبوط است و در این مجموعه تصحیح گردیده است.

۳. دیوان اشعار^۲. کلیات او در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم با عنوان پسند الاحرار به شماره ۱۲۶۰۵ و قسمتی از اشعار میرمختوم در کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۳ موجود است.

۴. مکاتیب. تعدادی از نامه‌های عرفانی از میرمختوم باقی مانده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۴ و کتابخانه آیت‌الله مرعشی^(ره) نگهداری می‌شود. در کتاب حاضر مکاتیب میر مختوم از

۱. مجالس العشاق، صص ۲۱۶، ۲۱۷؛ توضیح: این رباعی‌ها در نسخه مورد استفاده ما که در این مجموعه تصحیح گردیده نیامده است.

۲. اثر آفرینان، ج ۵، ص ۱۹۹.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۱، ص ۱۹۴.

۴. همان، ص ۱۸۹.

روی نسخه «الف» اخذ شد، لیکن برخی مکاتیب پراکنده که در کتابخانه مجلس موجود بود با نسخه الف مقابله گردید و در نهایت ذیل آن مکاتیب مأخذ مکتوب ذکر شد.

نسخه شناسی

مجموعه حاضر بر اساس چهار نسخه از آثار میرمختوم نیشابوری تنظیم شده است که چنین اند:

نسخه «الف»: نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۶۰۵ می باشد. این نسخه در غالب موارد به صورت بدون نقطه آمده است، لیکن از نظر نقل مطالب، کامل تر از دیگر نسخ است. این مجموعه شامل رساله های محبت نامه، پسند الاحرار و مکتوبات میرمختوم نیشابوری است. تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست، لیکن از رسم الخط نسخه و نمونه مهری که متعلق به دوره تیموری است و در صحیفه اول نسخه آمده معلوم می گردد که نسخه مربوط به نیمه اول قرن نهم و زمان حیات مؤلف است، بدین دلیل آن را نسخه اساس و با رمز «الف» قرار دادیم.

در برگ ۵۶۷ ر یادداشت تملکی باقی است که چنین است: «صاحب هذه المجموعه الشریفه شهنشاہ میر محمود بن شهنشاہ بن محمد بن شهنشاہ القاننی کتبه کافی بن محتشم بن عمید بن محمد

بن شهنشاہ القائنی سنہ ۱۰۲۷ ہجریہ.» پرواضح است کہ نسخہ شماره «د» این مجموعہ از روی نسخہ حاضر کتابت شدہ است چرا کہ ہر دو نسخہ در قائنات کتابت شدہ اند و در ضبطہایی کہ صورت گرفته در بیشتر موارد کاتب نسخہ دال از این نسخہ متابعت نمودہ است.

نسخہ «ب»: نسخہ شماره ۱۷/۴۱ از مجموعہ فیروز در کتابخانہ مجلس شورای اسلامی است.^۱ نسخہ مذکور توسط یکی از مریدان میرمختوم و امیر قاسم انوار در قرن نہم کتابت شدہ است. از ویژگیہای رسم الخطی این نسخہ می توان بہ قراردادن سہ نقطہ در زیر سین و کاف در برخی موارد؛ حذف حرف یکسان در جایی کہ دو حرف مشابہ در کنار ہم بیایند مانند «دوستر» بہ جای «دوست تر»؛ و آوردن الف ممدود بہ جای الف مقصورہ مانند «عیسا» بہ جای «عیسی» اشارہ نمود.

در این نسخہ، دیوان میر مختوم در حاشیہ نسخہ در قالب چلیپا نگاشتن شدہ است؛ با این تفاوت کہ عناوین موجود در نسخہ الف در این نسخہ نیامدہ است. این دیوان در حاشیہ صفحہ ۲۲۲ شروع شدہ و تا صفحہ ۲۳۲ ادامہ دارد.

۱. فہرست نسخہ های خطی کتابخانہ مجلس شورای اسلامی، ج ۲۱، ص ۱۹۴.

نسخه «ج»: نسخه‌ای خطی متعلق به قرن نهم هجری به شماره ۱۳۶۷۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. این نسخه شامل رسائل عرفانی و اشعار قاسم انوار و میرمختوم نیشابوری است. کاتب آن، شخصی به نام علی بن محمدحسن تونی است. اولین رساله در رمضان سال ۸۳۵ قمری کتابت شده (برگ ۴۰ رو) و مابقی رسائل به مدت دو سال توسط همو به رشته تحریر درآمده‌اند چرا که از اوضاع و احوال و وجود آخرین تاریخ در وفات قاسم انوار به سال ۸۳۷ (برگ ۱۶۷ رو) می‌توان به این نکته پی برد. نسخه متعلق به مرحوم مهدی بیانی بوده و مهر او در جای جای نسخه مشاهده می‌شود. تاریخ این نسخه از نسخه پیشین جلوتر و به مرگ میرمختوم نزدیک‌تر است. از ویژگی‌های رسم الخطی این نسخه عدم استفاده از نقطه در برخی موارد است. کاتب در اکثر موارد «هیچ» را به کلمه بعد چسبانده است مانند «هیچچیز» و «هیچحال».

نسخه «د»: نسخه‌ای است که در مجموعه‌ای به خط دوست محمد قاینی نهارجانی در سال ۱۱۲۰ قمری کتابت شده و به شماره ۱۶۳۶۱۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. فهرست‌نویس کتابخانه مجلس به اشتباه آن را از میرمخدوم شریفی که فقیه اهل سنت و معاصر شاه اسماعیل دوم صفوی بوده، دانسته

است.^۱ این مجموعه شامل سه رساله از میرمختوم نیشابوری است. رساله اول شامل فصل دوم رساله اسباب وصول است (ص ۱۸۸). رساله دوم نیز مکتوبی عرفانی است و نامش در نسخه نیامده (ص ۱۹۱). رساله سوم رساله‌ای با نام نصیحت‌نامه است که مانند رساله دوم مکتوبی است که از طرف امیر مختوم به یکی از مریدان نوشته شده است (ص ۲۰۰).

در تصحیح این مجموعه موارد ذیل صورت پذیرفت:

۱. با توجه به اینکه نسخه الف فاقد نقطه بود دیوان اشعار میر مختوم موسوم به *پسند الأحرار* با نسخه ب که در حاشیه آمده بود مقابله گردید. تنظیم اشعار بر اساس حروف تهجی و شماره بندی آن‌ها از جمله کارهایی بود که لازم می‌نمود.
۲. برخی مکتوبات میر مختوم دارای عنوان و برخی فاقد عنوان بودند که با شماره بندی مکتوبات، هر یک با دیگری تفکیک گردید.
۳. نظر به اینکه برخی مکتوبات میرمختوم تحت عنوان رساله‌ای مستقل در بعضی نسخه‌ها آمده بود آن مکتوب ذیل مکتوبات درج گردید.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، مجلد چهارم، ص ۳۱۱۹.

۴. روش تصحیح مصحح استفاده از علامت < > به جای کروشه است و چنانچه مطلب یا عبارتی توسط مصحح به نسخه افزوده شده است میان علامت فوق الذکر درج گردیده است.
۵. استخراج منابع آیات و احادیث و امثال و حکم و همچنین تنظیم نمایه از مواردی بود که جهت تنقیح و تنظیم هر متن لازم است که در این مجموعه صورت پذیرفت.

در پایان لازم است از مساعی و زحمات دوستان گرانقدر، آقایان دکتر علیرضا قوجه زاده، آقای سید محمدصادق ابراهیمیان و آقای محمد هاجری که در تنظیم این مجموعه یاری گر بنده بودند تقدیر و تشکر نمایم.

دوم محرم الحرام ۱۴۳۹ هجری قمری

حسین نصیرباغبان